

تأملی بر پدیده «نفوذ» در دوران نومحافظه کاران بر اساس اندیشه رهبر انقلاب

مذاکره و نفوذ

■ دکتر حمیدرضا اسماعیلی

میان نیروهای سیاسی نفوذ و یاریگری کنند. ایشان به این موضوع نیز اشاره می کنند که نفس رابطه و بازگشایی سفارت از خصومت و دشمنی طرف مقابل نمی کاهد و تنها به قدرت آن برای نفوذ و ضربه زدن می افزاید. نمونه مهمی که رهبری در این باره مثال می زند دولت یعنی عراق است که به رغم روابط با آمریکا حتی تا سرنگونی آن دولت نیز پیش رفت. (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد، ۱۳دی ۸۶)

■ مذاکره و نفوذ

آیت الله خامنه ای در تبیین مباحث خود درباره نفوذ، در رابطه بسیار مهم و معنادار مذاکرات با آمریکا و پدیده نفوذ تأکید داشته اند. ایشان برای روشن کردن مساله تأکید می کنند ماجرای آمریکا با دولت ها و حتی دشمنان دیگر تفاوت دارد. مذاکرات با آمریکا شرایط و ویژگی های خودش را دارد و قابل قیاس با طرف های دیگر نیست. متناسب با ماهیت روابط و مذاکرات، هدف آمریکا نفوذ در بخش های مختلف کشور از جمله اقتصاد و فرهنگ است. آیت الله خامنه ای

تصریح دارند در مذاکرات هسته ای نیز حتی در بخش هایی نفوذ صورت گرفته است. به عبارت دیگر دوران جدیدی که نقطه عطفی شد در بیان نظریه نفوذ توسط آیت الله خامنه ای دقیقاً مقارن با بحث مذاکرات هسته ای با آمریکا بود و به همان دلیل هم بود که از سال ۹۲ و با تشکیل دولت نومحافظه کار یازدهم، پرداختن به این مساله توسط رهبر انقلاب در اولویت قرار گرفت. گزیده آنکه آیت الله خامنه ای مهم ترین دلیل مخالفت با رابطه و مذاکره با آمریکا در طول چند دهه گذشته را جلوگیری از نفوذ و

پایان انقلاب معرفی می کنند. به همین دلیل هم هست که واژگانی چون «نفوذ»، «مذاکره با آمریکا» و «ضدالقلاب های داخلی» با هم قابل فهم هستند و در یک سلسله نظام واژگانی قرار می گیرند. (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده های آنان، ۱۵مهر ۹۴)

آیت الله خامنه ای تصریح دارند در جمهوری اسلامی، هستند افرادی که بر خلاف آموزه های اسلامی و انقلابی «صرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات که از ابلیس بدتر است بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند». ایشان با مخاطب قرار دادن آنان می گویند: «دین به کنار، انقلابی گری به کنار؛ وفاداری به مصالح کشور چه می شود؟ عقل چه سود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه می دهد انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به عنوان دوست، به عنوان مورد اعتماد، به عنوان فرشته نجات انتخاب کند؟» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده های آنان، ۱۵مهر ۹۴)

آیت الله خامنه ای تصریح می کنند یکی از اهداف نفوذ مبتنی بر مذاکرات نفوذ امنیتی است. در حقیقت هدف دشمن این است که با نفوذ در حوزه دفاعی قدرت نظامی کشور را کاهش دهد. به بیان آیت الله خامنه ای دشمن به بهانه نظارت و بازرسی در پی آن است که توسعه قدرت نظامی کشور را متوقف کند. بر همین اساس به نیروهای نظامی، دولت یازدهم و مذاکره کنندگان تأکید می کنند مانع نفوذ امنیتی شوند. (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۲۰ فروردین ۹۴)

آیت الله خامنه ای هدف دیگر و از مهم ترین اهداف نفوذ در انقلاب اسلامی از این طریق را «به رسمیت شناختن اسرائیل و سلطه آمریکا در منطقه» می داند که خود به منزله پایان انقلاب اسلامی تلقی می شود. ایشان اساساً همین را اصل تعریف «نفوذ» قرار می دهد و بنا به هدف مهم آنها می فرمایند «نفوذ یعنی به رسمیت شناختن اسرائیل و سلطه آمریکا در منطقه». (بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان، ۱۴آبان ۷۶)

■ مذاکرات هسته ای و نفوذ

از ویژگی های دوره نومحافظه کاران که آیت الله خامنه ای در آن نسبت به نفوذ هشدار می دادند، انجام مذاکرات با آمریکا در موضوع هسته ای بود. در حقیقت در نگاه ایشان میدان پدیده نفوذ و مذاکرات هسته ای رابطه معناداری وجود داشت. ایشان نه تنها این پروژه را در ابعاد ایران بلکه در سطح منطقه می دانستند. مطابق هشدارهای رهبری قرار بود طی مذاکرات هسته ای فرآیندی در ایران و منطقه آغاز شود که همراه با آن برنامه نفوذ، عملیاتی شود: «آمریکایی ها برای بعد از دوران مذاکرات هسته ای، یک نقشه برای داخل ایران داشتند، یک نقشه برای منطقه». اما باید توجه داشت که نقشه منطقه هم متناسب با ایران و سیاست خارجی آن تعریف شده بود. آیت الله



بخش سوم و پایانی

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در تحلیل روانشناسی نفوذ خلقیاتی را که موجب انفعال می شود از عوامل نفوذ و خلقیاتی مانند احساس عزت و خودباوری را از موانع روانشناختی نفوذ معرفی می کنند. در حقیقت این موضوع هم در سطح فردي مطرح است و هم در سطح اجتماعی. مثلاً میان ترس و نفوذ نیز رابطه مستقیمی وجود دارد و دشمن در آمی که می ترسد نفوذ می کند. (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۹۱)

آیت الله خامنه ای رفاطعلی مسوولان را از جمله عوامل مهم فردی مسترتر نفوذ می دانند؛ با این استدلال که رفاطعلی موجب غفلت از نفوذ و کمین دشمن می شود. (بیانات در دیدار مسوولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ مرداد ۹۰) از نمونه مواردی که آیت الله خامنه ای در بیان معنای نفوذ بر آن تأکید دارند، تقابل آن با معنا و احساس استقلال خواهی است. ایشان معتقدند در درون اجرای پروژه نفوذ حس استقلال خواهی از بین می رود؛ چه در سطح مسوولان و دولتمردان و چه در سطح مردم و جامعه. لذا ایشان تأکید دارند در دل این پروژه می خواهند «باور به استقلال را عوض کنند» و تلقین این باور را اصل پروژه «نفوذ» می دانند که اکنون در حال انجام است. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰ اسفند ۹۴)

■ روش های نفوذ بر نخبگان سیاسی

آیت الله خامنه ای ابزار نفوذ در سطح نیروهای سیاسی را در ۳ ابزار و روش «تطمیع و تهدید و فریب» خاصه می کنند و می افزایند: «تجربه ها نشان داده است در میان خواص، هستند کسانی که این ابزارها در آنان کارگر می شود و ترس و طمع و غفلت، آنان را دانسته یا ندانسته به خدمت دشمن درمی آورد». لذا در اینجا دیگر صحبت از نفوذ در جامعه و فرهنگ آن نیست بلکه نفوذ در نیروهای سیاسی است که قبلاً شاید خود از نیروهای انقلابی بوده اند و اکنون بر اثر این سیاست ها تغییر موضع داده اند و به نیروهای ضدانقلاب داخلی تبدیل شده اند که این خود مهم ترین خطر برای انقلاب محسوب می شود که می تواند ساختار و ماهیت نظام سیاسی کشور را تغییر دهد. (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۴آبان ۹۰)

آیت الله خامنه ای همچنین کاربست این روش ها را در جایی می دانند که این نفوذ غیرعادانه و غیر آگاهانه باشد. به طور مثال وقتی رسانه های غرب به تعریف از یک جریان علیه جریان دیگر می پردازند، اولاً با این تعریف ها در انجام مقاومت فرد ایجاد تردید می کنند و در ثانی میان آنها ایجاد اختلاف می کنند. (بیانات در دیدار مردم نجف آباد، ۵ اسفند ۹۴)

حضرت آیت الله خامنه ای از منظر و سطحی دیگر «ایجاد اختلاف»، «ایجاد خشونت»، «بدنام کردن اسلام» و «تجزیه کشورهای اسلامی» را از مهم ترین روش های نفوذ دشمن در جهان اسلام معرفی می کند که چگونگی انجام آن هم توسط نهادهایی که در این باره تأسیس کرده اند انجام می شود. (بیانات در دیدار مسوولان و دست اندازان کاران حج، ۲۱ مرداد ۹۴) البته ایشان در جای دیگری ایجاد اختلاف را برنامه و هدف دیگری در کنار نفوذ معرفی می کنند و آن دو را در کنار هم دو نقشه مهم دشمن در منطقه معرفی می کنند. (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی، ۲۶ مرداد ۹۴)

اشاءه علی الکفار رحماه بینهم». ایشان در تفسیر آیه می گویند: «معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آدم به کلی پامال و سرکوب کنی؛ نه! یک وقت اقتضای سرکوب دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوب ندارد اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود». (بیانات در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان، ۲۱ مرداد ۸۸). ایشان همچنین با استناد به آیه ای دیگر از قرآن از مهم ترین روش های مقابله با نفوذ را افزایش قدرت معرفی می کنند. ایشان با استناد به قرآن که به مسلمانان امر می کند: «وَاعِدُوا الْهَيْمَ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِسَهْ عُدُوِّ اللَّهِ وَ عُدُوِّكُمْ» چنین نتیجه می گیرند که: «باید حضور شما، وضعیت شما، حرکت شما جوری باشد که دشمن را دچار رعب کند... باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمی تواند نفوذ کند». (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده های آنان، ۱۵مهر ۹۴)

آیت الله خامنه ای «هم افزایی دستگاه های مسوول» برای کمک به یکدیگر و فرهنگی دستگاه های مسوول با مردم» و نیز داشتن نام می برند و پیرو آن اعلام می کنند توانستیم جلوی آن را سد کنیم. (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی، ۲۶مرداد ۹۴)

■ جمع بندی: روش های مقابله با نفوذ

از نگاه آیت الله خامنه ای مهم ترین خطر در

مساله نفوذ به خطر افتادن منافع ملی است، زیرا «اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری تسلط یابد و در آن نفوذ کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد». (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک). ایشان آگاهی رسانی و جلوگیری از نفوذ را از وظایف دولت اسلامی می دانند تا طمی آن از نفوذ جلوگیری شود: «دولت اسلامی موظف است جامعه را با فرهنگ بالاتر و معلومات عمیق تر و آگاهی های همگانی مجهز کند و بدین وسیله جلوی نفوذ فرهنگ بیگانه را بگیرد». (خطبه های نماز جمعه تهران) ایشان متناسب با انواع نفوذها و کیفیت هایی که مطرح شد روش هایی را برای مقابله با نفوذ معرفی می کنند که از جمله این موارد «روشنگری» است: «روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن». (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴دی ۹۴). به عبارت دیگر چون در اینجا اصالت با فعل است و نه فاعل روشنگری بدون تعیین مصداق به عنوان روش مقابله معرفی می شود که چاره آن به بیان و تبیین این مساله است. در حالی که اگر برعکس بود یعنی اصالت با فاعل بود بدون ضرورت و نیاز مبرم به «روشنگری» باید با فاعلان آن برخورد می شد.

اما این روش مقابله با نفوذ ممکن است دلایلی

داشته باشد که عبارتند از:

۱- تکثر و زیادی فاعلان که زمینه را برای برخورد با فاعلان سد می کند. این پدیده بویژه در نفوذ فرهنگی محسوس است.

۲- چهره، نام و جایگاه فاعلان که به نوعی برای آنان مصونیت ایجاد و از این جهت برخورد با آنان را دشوار کرده است. این پدیده به طور ویژه در نفوذ سیاسی و اقتصادی، یعنی همان طبقه الیگاری دیده می شود.

بر این اساس به نظر می رسد تنها در نفوذ امنیتی است که برخورد با فاعلان در کنار برخورد با پدیده نفوذ اهمیت می یابد و از ۲ مشکل فوق برخوردار نیست.

آنچه در فرآیند نفوذ رخ می دهد و برای انجام آن ضرورت می یابد مقابله با افراد و تشکیلاتی است که در مقابل نفوذ می ایستند و مثلاً آنها را به «تندروی و افراطی گری» متهم می کنند. آیت الله خامنه ای این بخش از فرآیند نفوذ را که با تبلیغ علیه این جریان همراه است «مکمل نفوذ» معرفی می کنند. (بیانات در دیدار فرماندهان گردان های بسیج، ۱۴آذر ۹۴)

آیت الله خامنه ای اصل مقابله با پدیده نفوذ را در آیه ای می دانند که می فرماید: «و الذین معه

تاریخ مشروطه

■ دکتر موسی نجفی

متأسفانه نویسندگان غربگرای بعد از مشروطه هیچگاه نتوانستند این افراد و تفکرانی اینچنین را بفهمند و آن را در ترازوی دوری و ارزشگذاری قرار دهند. یکی از نویسندگان تحلیلیگر تاریخ در کتابش می نویسد:

تنها کسی که تصور روشنی از مشروطیت داشت، آن هم عنصر ترقی خواه تربیت یافته معتقد به حکومت دموکراسی غربی و از نویسندگانی که دارای گرایش های دینی ضد مشروطه بوده، میرزا حسن خان انصاری است. او در کتاب «نوشندارو» یا «نوی ای ایرانیان» در انتقاد از زمانه خود، باطنی نیشدار ولی خواندنی می نویسد:

فسق، فجور، فتنه، فلاکت، فرقه های مختلف، فامیل اخم در رفته، فاقیل وصله نگرفته، فابریک خرسازی، فخر بی فا، فخر اخوان الصفا، فرسودگی ادبا، فصالات نوچه (کنایه از بچه های تازه که مدعی علومند)، نضاحت شالاری، فضاحت نادانی، فسون متکلمان، فلاسفه متعلمان، فرقه انه فحاش، فلاسفه اوباش (کنایه عوام است که سخن از حکمت و سیاست گویند)، ننگ زدن فاش (یعنی شراب خوری علنی)، خطرناک ناپاک، فغان بر فلک الافلاک، فاقد ایمان، فارغ از ادیان، فانی فی الشیطان، فراری اوطان، فراق عیال، فزونی خیالی، فسخ عقاید، فقدان فواید، فوق العاده جراید، فتوحات مجاهد، فتح الباب مفاسد، فاعلات آزاده، فعل و انفعال عقب افتاده، فنون مستی، فروش هستی، قفسه فکلی، فقه فرانسه، فکر ابال (ابلیس)، قیس فرنگی مآبهها، فرنگی اساس مابشاه، فشار بر فرمانفرمایان، فراست رندان، فریب چشم بندان، فراغت گوسفندان، فرصت گرگان، فسرده حالی بزرگان، فرج سخت تر از شدت، فرج بدتر از مصیبت، فوج فواحش و فوت فراش، فحش در عرایض...

در دوران مشروطه، نوعی جهد و تلاش ملی از سوی متفکران و دانایان و اقشار علمی و مذهبی و فرقه های فرهنگی برای هضم و نقد و ارزیابی اصول جدید و تحولات اجتماعی به چشم می خورد. و در همین فضا و محیط فرهنگی و کوشش ملی بوده است که می بینیم گروهی از شیفتگان غرب با اصطلاحات و کارهای غربی و واژه های نامأنوس، مردم را به نوعی سرگشتگی و حیرت و شبهه دچار می کنند. در حالی که درست در همین اوضاع و احوال است که در آحاد و اقشار مختلف ملت، در بین ققها و علما، در میان ادبا و شعرا و حتی نزد عرفا و فلاسفه و نویسندگان نوعی تحرک و نشاط و ارزیابی نقادانه و ریزبینانه از زمانه وجود دارد. امروز با کمال تأسف باید بگوییم که اگر زمانه فرصت می داد و این اقشار می توانستند نوعی بحث و مناظره و محاوره سالم و بدون تخریب با هم داشته باشند، شاید از نظر فرهنگی و سیاسی اندیشه های اجتماعی در دهه های گذشته، از غنا و رشد بیشتری برخوردار می شدیم، هر چند به نظر می رسد جریان غربگرای ضد مذهبی، می مخدوش و تیره کردن این محیط سالم نقش زیادی داشته است.

یکی از رسال سیاسی آن دوران، مربوط به عرفا و صوفیه است. حتی اعضای این قشر فرهنگی-اجتماعی نیز که در سنوات اخیر دارای نظر به های اجتماعی فعال بوده اند، در نقد زمانه، از نفوذ فرنگی مآبی افراطی هشدار داده و بدینگونه سخن گفته اند:

غالب فرنگیان حو نشناس چنان افراط در حریت کرده بودند که اشکار انکار حق و حقیقت می کردند و چنان مدهوش شده بودند که طبیعت بی عقل و هوش را موجد کارخانه عقل و هوش می پنداشتند. دروغ و فجور و خیانت را موافق شرع سیاست پنداشته، ترک می کردند، و چون سرمایه ریاست و سیاست باطله، حیل و تزویر بود، ظاهر ساری و عوام فریبی می کردند... رساله «لامحه شب» که مطلب فوق از آنجا نقل شده است، در جای دیگر در نقد خود از زمانه و رواج غربگرایی و تقلید محض می نویسد: اما صاحبان ملل و نحل، بویژه متحانان اسلام، چنان در تقلید از فرنگیان زیاده روی کردند که بسیاری از آداب مذهب را ترک گفته، بلکه استهزا به متعبدان نمودند... این نادانان به حکم الجاهل اما مفرط او مفرط هر مجمعی تشکیل دادند، ننگ مجامع انسانیت شد و هر اساسی بنا نهادند او هن من البیت العنکبوت شد. مثلاً در محفلی که محافظان حقوق ملت و دولت باید زینت افزا شوند، اولین شرط محافظ آن است که باید جامع بین وحدت و کثرت و معنی و صورت و ظاهر و باطن و به عبارت اجلی، دارای مذهب و سیاست و تدین و تمدن هر دو باشند که با این دو قوه بتواند جامع افراد شود و مانع مداخله اغیار شود... از جمله مسائل قابل بررسی که در حاشیه و در کنار مبحث تأثیر افکار غربی در مردم، مناسب است به دقت تعمق شود، نگرش مردم از موقعیت و هویت و جایگاه خود در برابر آن افکار است.

ادامه دارد

